

استاذ الفکر و تصور  
میرزا محمد رفیع صاحب



جوان مجلس

مرگ و برزخ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رهنما ۸۸ (مرگ و برزخ)

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	رهنما ۸۸ (مرگ و برزخ)
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	مرگ و برزخ
۱۱	درآمد
۱۴	فصل اول: مرگ
۱۴	اشاره
۱۶	۱.۱. آمادگی برای مرگ
۱۸	۲.۱. اجل و حتمیت مرگ
۲۴	۴.۱. مرگ چیست؟
۲۸	۵.۱. احتضار، یا لحظه جان دادن
۳۳	۶.۱. کفن و دفن مرده
۳۶	۷.۱. شب اول قبر
۳۹	۸.۱. عذاب قبر
۴۴	فصل دوم: برزخ
۴۴	اشاره
۴۶	۱.۲. عالم برزخ
۴۹	۲.۲. سرنوشت ارواح
۵۱	۳.۲. بهره مندی در برزخ
۵۶	۴.۲. چند نکته درباره عالم برزخ
۶۲	سخن پایانی
۶۴	برای مطالعه بیشتر
۶۶	درباره مرکز

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور : مرگ و برزخ / نویسنده جواد محدثی؛ به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۳۰ ص؛ ۱۱×۷ س م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۲۶-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: مرگ -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: برزخ

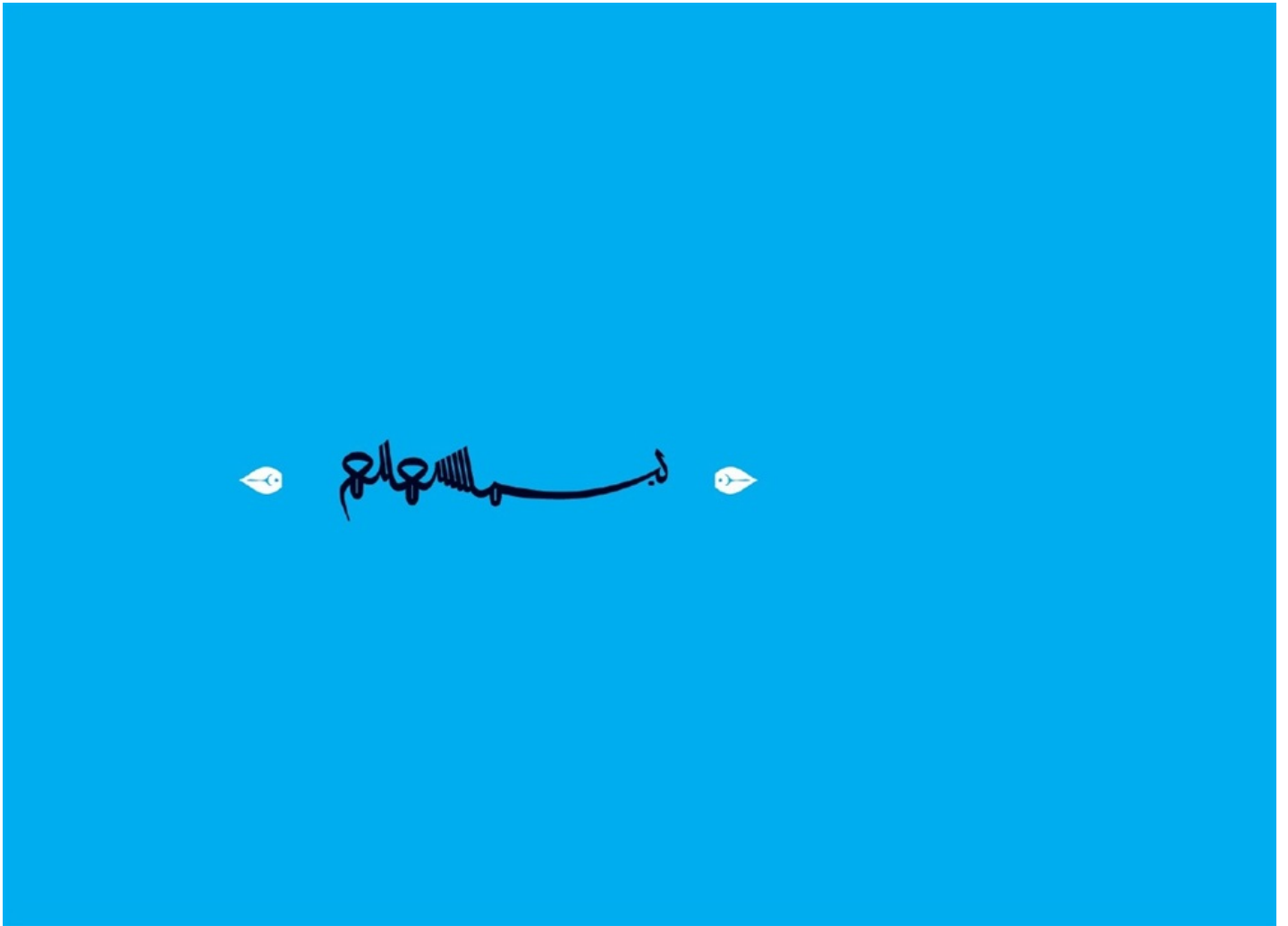
شناسه افزوده : آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

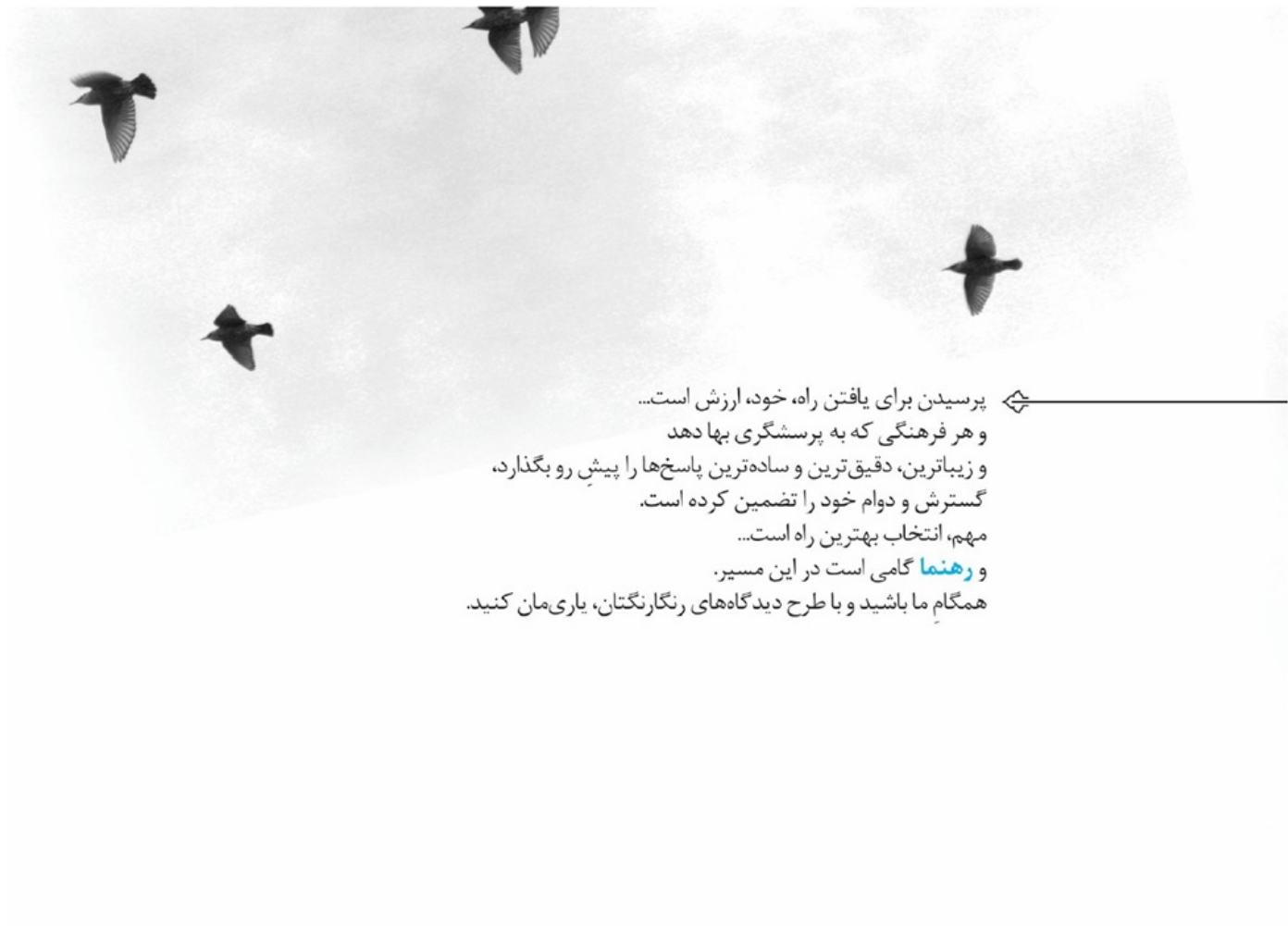
رده بندی کنگره: BP۲۲۲/۲۲ م۴۲۲۶ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۸۲۳۶۲

ص: ۱





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...  
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد  
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،  
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.  
مهم، انتخاب بهترین راه است...  
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.  
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





## مرگ و برزخ

پاسخ پرسش های زیر را می توانید در این نوشته بیابید:

۱. حقیقت مرگ چیست؟

۲. مرگ برای انسان خوب و بد چگونه است؟

۳. عذاب های قبر چیست؟

۴. برزخ به چه معناست؟

۵. ارواح در عالم برزخ چه وضعی دارند؟

۶. آیا ارواح در عالم برزخ با این دنیا ارتباط دارند؟

ص: ۵

روشن ترین حقیقتی که پیش روی انسان قرار دارد «مرگ» است. خداوند به ما نعمت «جان» را بخشیده که حیات آدمی بسته به آن است. روحی که در پیکر ماست، روزی از بدن جدا خواهد شد و «حیات دنیوی» به پایان می رسد. اما این روح به کجا می رود؟ مرگ چیست؟ پس از مرگ چه می شویم؟ حیات ما پس از مرگ چگونه است؟ انسان های نیک و بد، و مؤمن و کافر، پس از مرگ و در عالم «برزخ» چه وضعی دارند؟ حیات برزخی چیست؟ میان مرگ تا برپایی قیامت چه قدر طول خواهد کشید؟ اینها سؤالاتی است که همواره ذهن ما را مشغول می کند.

برخی از مرگ و عالم برزخ و قیامت غافلند و همین غفلت، آنان را به گناه و فساد و نافرمانی و هوس رانی می کشاند. اما بعضی پیوسته به یاد مرگند و این یاد، خواب راحت از

چشمانشان می رباید و هول و هراس مراحل پس از مرگ و وحشت قبر و سختی های عالم برزخ، آنان را به فکر وامی دارد و همین تفکر و نگرانی و بیم از عاقبت کار، سبب می شود که از غفلت به درآیند و به کارهای نیک پردازند و از گناه بپرهیزند.

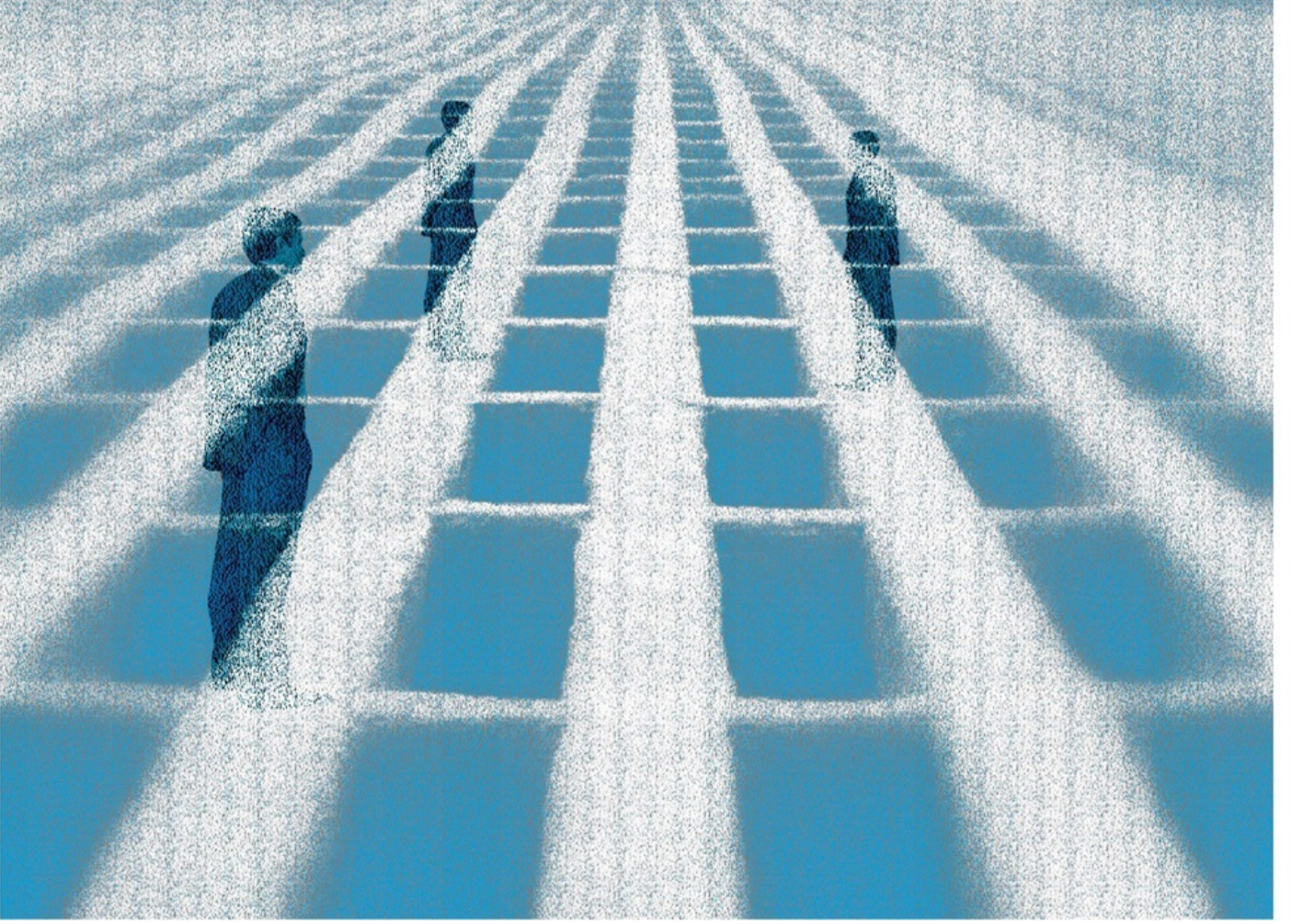
مرگ پایان ما نیست. مرگ، گذرگاه ما از «دنیا» به برزخ و آخرت است. فلسفه خلقت انسان بسیار بزرگ تر و مهم تر از آن است که چند صباحی در این دنیای خاکی، در لذت و شادی، یا غم و رنج به سر ببرد و با مرگ، برای همیشه نابود شود. دنیا برای انسان یک مرحله گذار است. سرای ابدی و قرارگاه اصلی در آخرت است. خوشا آنان که از این «گذرگاه»، برای آن «قرارگاه» توشه بردارند و در دنیا، خانه آخرتشان را آباد سازند.

مرگ، مهم ترین حادثه زندگی انسان است. با مرگ، طومار زندگی برچیده و فرصت عمل از انسان گرفته می شود. پاداش نیکی ها و کیفر بدی ها را از همان لحظه مرگ و هنگام جان دادن می چشیم. سختی شب اول قبر و مدت نامعلوم «برزخ» تا زمان برپایی قیامت و مرحله

در اهمیت مرگ و عوالم پس از آن، همین بس که آیات بسیاری در قرآن و روایات فراوانی از معصومین درباره آن وارد شده است تا ما را بیدار و هشیار کنند و برای ورود به این مرحله از حیات خویش، غافلگیر نشویم و چنان نباشد که: «ناگهان بانگی برآمد: خواجه مُرد!».

در این نوشتار کوتاه، دانستنی‌ها و نکاتی بر اساس آیات و روایات درباره مرگ و برزخ بیان شده است. باشد که ذکر و یاد مرگ و قبر و برزخ و قیامت، انگیزه ما را در بندگی خدا و دوری از دام‌های شیطان تقویت کند و از «اهل ذکر» باشیم.

فصل اول: مرگ



## ۱.۱. آمادگی برای مرگ

هیچ چیز برای انسان، بدتر از «غافلگیر شدن» در برابر مرگ نیست. رشته زندگی، آرزوها و برنامه ها، همه با سر رسیدن «مرگ» از هم می گسلد؛ پس چه بهتر که انسان مانند مسافری که سفری در پیش دارد و همه کارهایش را مرتب می کند تا به سفر برود، برای «سفر آخرت» هم که سفری ابدی و بی بازگشت است، آمادگی های لازم را داشته باشد و ره توشه بردارد و دست خالی به این سفر نرود.

گرگ اجل یکایک از این گله می برد

این گله را ببین که چه آسوده می چرد

در توصیه های پیشوایان دین، به آماده بودن برای مرگ بسیار تأکید شده است. رسول خدا به طارق بن عبدالله فرمود:

«إِسْتَعِدَّ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نَزُولِ الْمَوْتِ»؛<sup>(۱)</sup> (= ای طارق! پیش از آن که مرگت فرا رسد، آماده مرگ باش).

در سخنان امیرالمؤمنین نیز آمده است:

«آماده مرگ باشید؛ چون بر سرتان سایه افکن شده است. همچون قومی باشید که بر سرشان فریاد کشیده اند و به هوش آمده و دانسته اند که دنیا جایگاه اصلی آنان نیست و به فکر آخرت افتاده اند.»<sup>(۲)</sup>

از امام علی پرسیدند: معنای آمادگی برای مرگ چیست؟ فرمود: «آن است که انسان واجبات را انجام دهد؛ از حرام ها بپرهیزد و خود را به مکارم اخلاقی بیاراید. سپس برایش مهم نباشد که او بر مرگ فرود آید، یا مرگ بر او.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۲

---

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حدیث ۱۹۱۶۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

۳- شیخ صدوق، امالی، ص ۹۷.



امام سجاد در پاسخ به همین پرسش فرمودند: «از خانه ها و بناها و قصرهایش فراغت یافته باشد»؛ گفتند: چگونه؟ فرمود: «به این که از گناهانش توبه کرده باشد و مشغول به انجام کارهای نیک باشد و بر خدای کریم وارد شود».<sup>(۱)</sup>

البته کسانی که عمری در گناه و غفلت به سر برده اند و پرونده ای سیاه دارند، نه تنها آماده مرگ نیستند، بلکه از آن وحشت دارند. آنچه این آمادگی را فراهم می آورد، ترک گناهان و جبران اشتباهات و ذخیره اعمال صالح است، که اینها ره توشه انسان در مسیر طولانی پس از مرگ است. باید حساب را صاف و روشن و بار گناهان را سبک کرد.

## ۲.۱. اجل و حتمیت مرگ

هر کس در این دنیا عمری معین دارد و روزی فرصت زندگی او به پایان می رسد. «أجل»

ص: ۱۳

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۷.

آن سرآمد و وقت معینی است که برای هر انسانی مقدر شده است. مرگ و میرها یا به صورت عادی و طبیعی است، یا در پی حوادث و جنگها و ... ولی به هر حال، هر کس روزی باید از این خانه موقت که نامش «دنیا»ست برود.

وقتی اجل کسی فرا می رسد، در هر جا و هر حال که باشد، می میرد و از چنگ مرگ نمی توان گریخت. گاهی کسانی از پرخطرترین بیماری ها و حادثه ها و صحنه ها جان سالم به در می برند و گاهی نیز بسیار طبیعی و راحت عمرشان به پایان می رسد. اجل تعیین شده از سوی خدا که در قرآن بارها از آن به «اجل مسمی» یاد شده، هر وقت فرا برسد، چیزی جلودار آن نیست و هر کس و هر گروهی و امتی، اجلی دارد که وقتی فرا رسد، نه لحظه ای زودتر می شود و نه لحظه ای به تأخیر می افتد. [\(۱\)](#)

ص: ۱۴

---

۱- از جمله این آیات: انعام: ۲، اعراف: ۳۴، یونس: ۴۹، ابراهیم: ۱۰، نوح: ۴.

البته بعضی از کارها (مثل صله رحم، نماز شب و...) عمر انسان را طولانی می کنند و برخی اعمال بد، عمر را کوتاه و اجل را نزدیک می سازد؛ لیکن در علم الهی، مدت زمانی که هر کس در این دنیا به سر خواهد برد، معلوم است.

مرگ، حتمی ترین واقعه در زندگی هر انسانی است؛ اما شگفتا که از این «حتمی ترین» بیش از هر چیز دیگر غفلت می شود و همه خیال می کنند که مرگ هست، ولی نه برای آنان! گمان باطل «زندگی جاویدان در دنیا»، ناشی از غفلت انسان است. قرآن کریم در توجه دادن به حتمیت مرگ می فرماید:

«كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»؛ (۱) (= هر کس، چشنده مرگ است).

و در آیه دیگر، به گریزناپذیری از مرگ اشاره دارد:

ص: ۱۵

---

۱- آل عمران، آیه ۱۸۵.

«إِنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ»؛ (۱) (=هرجا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ هرچند در برج ها و کاخ های استوار باشید).

پدر و مادر و فرزند و عزیزان رفتند\*\*\*و چه ما غافل و مستیم و چه کوتاه نظیریم

دم به دم می گذرند از نظر ما یاران\*\*\* این قدر دیده نداریم که بر خود نگریم (۲)

حضرت امیر علیه السلام از این «فردای حتمی» که برای هیچ کس استثنا قائل نیست، چنین با شگفتی یاد می کند:

«عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَ هُوَ يَرَى الْمَوْتَ»؛ (۳) (=در شگفتم از کسی که مرگ را فراموش می کند، در حالی که مردگان را می بیند!).

در مثل های فارسی نیز گفته می شود: «این شتری است که بر در هر خانه ای می خوابد.»

ص: ۱۶

---

۱- . نساء، آیه ۷۸.

۲- نساء آیه ۷۸

۳- . نهج البلاغه، حکمت ۷۴.

کیست که عمر ابدی داشته باشد؟ و چه کسی تضمین گرفته که زندگی طولانی داشته باشد؟ ما که در مجالس یادبود مرگ دیگران شرکت می‌کنیم، روزی هم دیگران به سوگ ما خواهند نشست.

۳.۱. یاد مرگ

یاد مرگ، به زبان و حرف نیست؛ بلکه این آینده حتمی همیشه باید در ذهن انسان حاضر باشد و فرجام نیکوکاران و گنه کاران را در نظر آورد و مرگ را جدا شدن از همه دارایی‌ها و دلبستگی‌های دنیوی دانست و به آن دل نبست و شیرینی‌های زندگی، انسان را از سختی‌های مرگ و پس از مرگ غافل نسازد. بسیاری از شادی‌ها و جشن‌ها و شادکامی‌ها، با یک مرگ به هم می‌ریزد و بساط عیش و نوش افراد به هم می‌خورد. امام علی می‌فرماید:

«به یادآور لحظه‌ای را که در پیش دیده بستگان، به بستر مرگ افتاده‌ای؛ نه طبیعی می‌تواند تو را از مرگ نجات دهد، و نه دوستی و هواداری می‌تواند مرگ را از تو دور کند و

ص: ۱۷

از رسول خدا نیز روایت شده است که فرمود:

«أَكثِرُوا ذِكْرَ هَادِمِ اللَّذَاتِ»؛ (۲) (= بسیار یاد کنید از چیزی که لذت ها را در هم می ریزد).

کسی که پیوسته به یاد مرگ و کوچ از این جهان باشد، نه دل به این دنیا می بندد، نه افزون خواه و حریص می شود، نه از تحمل سختی ها و رنج ها به ستوه می آید، نه سراغ گناه و ظلم می رود و نه عمر خویش را به بطالت می گذراند.

دل ای رفیق، در این کاروانسرای مبنده\*\*\* که خانه ساختن، آیین کاروانی نیست

اولیای دین، همواره به یاد مرگ بوده و بر سختی های مراحل پس از مرگ، بیمناک بودند و اشک می ریختند. ناله های جان سوز امام سجاد علیه السلام در «دعای ابوحمزه ثمالی» در سحرهای ماه

ص: ۱۸

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰: «أَذْكَرَ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ أَهْلِكَ وَ لَا طَيْبَ يَمْنَعُكَ وَ لَا حَبِيبٌ يَنْفَعُكَ».

۲- میزان الحکمه، حدیث ۱۹۱۵۲ و ۱۹۱۵۶.

مبارک رمضان مشهور است: «أبکی لخروج نفسی، أبکی لِظلمه قبری...» این یاد سازنده است؛ بازدارنده از معصیت، بیدارکننده از خواب غفلت و برانگیزاننده برای طاعت و بندگی است.

#### ۴.۱. مرگ چیست؟

آیا به راستی حقیقت مرگ چیست؟ با مرگ، چه دگرگونی در وجود ما پدید می آید و چه چیزی از پیکرمان جدا می شود که این بدن از کار می افتد، به تدریج می پوسد و به خاک تبدیل می گردد؟

مرگ نیز از آفریده های خداوند و از جلوه های قدرت اوست. قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ»؛ (۱) (= آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و

ص: ۱۹

---

۱- . ملک، آیه ۲.

بخشنده است).

انسان تا زنده است، درک و شعور و اراده دارد. با مرگ، که همان جدا شدن روح از بدن است، درک و شعور و اراده از این پیکر گرفته می شود. عامل حیات هم که از بین رفت، جسد از کار می افتد و می پوسد.

اما روح چیست؟ روح حقیقتی ناشناخته است. قرآن به پیامبر می فرماید: به آنان که از تو درباره روح می پرسند بگو «روح از امر پروردگار من است و شما از علم، جز بهره اندکی ندارید.»<sup>(۱)</sup> یعنی حقیقتی است که به امر و فرمان الهی است و درک انسان به جوهره آن نمی رسد. لیکن، آن چه به روشنی می بینیم و درمی یابیم، این است که در وجود انسان، عاملی وجود دارد که همه فعالیت های بدنی و مغزی و ادراکی و احساسی بشر به آن وابسته

ص: ۲۰

---

۱- . اسراء، آیه ۸۵.



است و چون از بدن جدا شود (که همان مرگ باشد)، همه این فعالیت ها از کار می افتند؛ مثل کارخانه ای عظیم که به محض قطع شدن برق، دستگاه ها خاموش می شود و دوباره با جریان برق، به کار می افتد. نوعی پیوند خاص و ناشناخته نیز بین روح و خون به نظر می رسد. خون، این ماده حیاتی وقتی از رگ ها خارج شود، جان هم خارج می شود؛ از این رو خون ریزی های شدید، سبب مرگ افراد می گردد و در متون فقهی به خون، «نفس سائل» هم گفته شده؛ یعنی «روح جاری».

خداوند، «جان» را که نعمتی بزرگ از سوی اوست، به انسان می بخشد. جنین در شکم مادر، پس از طی مراحل، جان می یابد و در آن روح دمیده می شود و به صورت موجودی زنده به دنیا می آید و در همه عمر، این موهبت الهی همراه اوست و با مرگ، جان به خدای جان آفرین تسلیم می شود. به تعبیر قرآن کریم:

«اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»؛ (۱) (=خداوند هنگام مرگ افراد، جان ها را می گیرد).

در این آیه، گرفتن جان به خدا نسبت داده شده است، اما در آیاتی دیگر، قبض روح و گرفتن جان ها به عزرائیل یا ملک الموت نسبت داده شده که از فرشتگان مقرب الهی است و مأموریت او ستاندن جان انسان ها هنگام مرگ است:

«قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي ذُكِّرَ بِكُمْ ثُمَّ أَلِي رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»؛ (۲) (=بگو فرشته مرگی که بر شما گماشته شده، جان شما را می گیرد؛ سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید).

البته منافاتی بین این دو نیست. عزرائیل هم از جانب خدا و به فرمان او جان ها را می گیرد و کار او، در طول اجرای امر خداست، نه در عرض آن. پس می توان قبض روح و ستاندن جان را هم به خدا نسبت داد، هم به فرشته مخصوص.

ص: ۲۲

---

۱- . زمر، آیه ۳۹.

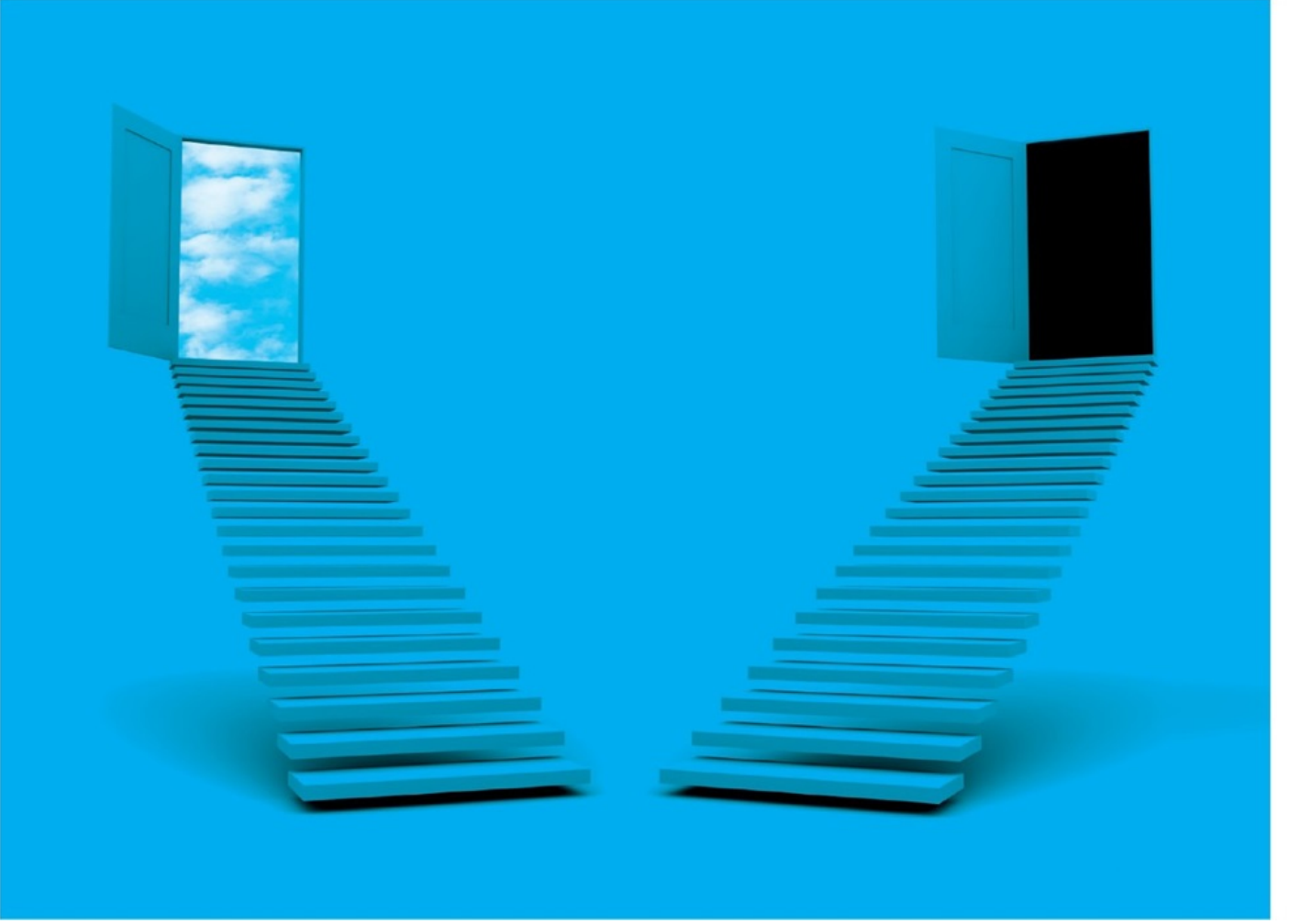
۲- . سجده، آیه ۳۹.

## ۵.۱. احتضار، یا لحظه جان دادن

غیر از کسانی که در حوادث سخت، ناگهان و در یک لحظه می‌میرند، اغلب افراد لحظاتی را تجربه می‌کنند که واپسین نفس‌ها را می‌کشند و به تدریج روح از بدن خارج می‌شود. لحظه جان دادن را حالتِ «احتضار» و کسی را که در حال جان دادن است «مُحْتَضِر» گویند و گاهی این حالت طول می‌کشد.

برای اهل ایمان، جان دادن، حال خوشایندی است. از تنگنای تن و دنیا رها می‌گردند و به وسعت ابدیت متصل می‌شوند. هنگام مرگ، فرشتگان الهی به آنان تحیت و سلام می‌دهند و به نعمت‌های الهی و بهشت جاویدان بشارتشان می‌دهند. اما کافران و گناه کاران، سخت جان می‌دهند و صحنه‌های هولناکی در نظرشان پدید می‌آید و مرگشان، آغاز ورود به مرحله سختی و عذاب‌ها و فشارهاست. از این رو مرگ برای آنان ناخوشایند است.

در روایات، برای لحظه مرگ مؤمنان و فاسقان، تشبیهاتی بیان شده است. رسول خدا



فرمود: «شیعیانی که محبتشان به ما بیشتر باشد، لحظه مرگشان مثل آن است که کسی در تابستانی گرم، جرعه ای آب خنک بنوشد.»<sup>(۱)</sup> در بعضی روایات، لحظات جان دادن مؤمن، لذت بخش توصیف شده است؛ مثل بوییدن گل. در حدیث معراج حضرت رسول هم آمده است: «هنگام مرگ مؤمن، فرشتگان بالای سر او می ایستند و جام هایی از کوثر و شراب بهشتی در دست دارند تا او جان دهد و او را بشارت می دهند به بهشت و رضای پروردگار.»<sup>(۲)</sup>

اما کافران و فاسقان، با مرگی ناخوشایند و دردناک روبه رو می شوند و به سختی جان می دهند و به تعبیر قرآن، فرشتگان بر صورت ها و پشت های آنان می زنند.<sup>(۳)</sup> از این رو در دعاها آمده است که از خداوند بخواهید «سکرات مرگ» و لحظه جان دادن را بر شما آسان

ص: ۲۵

---

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲- همان، ج ۷۴، ص ۲۷.

۳- محمد، آیه ۲۷.

کند. اهل بیت و امیر مؤمنان هنگام مرگ مؤمن، بر بالین او حاضر می شوند و به او مژده می دهند. به تعبیر امام علی هر مؤمن پرهیزگاری که بمیرد، هنگام مرگ، مرا می بیند. شاعران نیز به این موهبت و لحظات خوش اشاره دارند که گفته اند:

ای که گفتی «فَمَنْ يَمُتْ يَرِنِي»\*\*\*جان فدای کلام دل جویت

«سکرات موت» همان حالت های سخت و از خود بی خود شدنی است که در حال احتضار به انسان دست می دهد. امام علی در ترسیم آن لحظات می فرماید:

«دنیاپرستان... رنگ می بازند و آرام آرام، مرگ در آنان نفوذ می کند و همه اندام را می گیرد؛ زبان از سخن بازمی ماند؛ میان بستگان در بستر می افتد... کم کم زبان و گوشش از کار می افتد، ولی نگاهش به چهره اطرافیان است؛ می بیند و می شنود که حرف هایی می زنند، ولی نمی فهمد چه می گویند؛ اندک اندک چشمش هم از کار می افتد؛ روح از بدنش جدا می شود و پیکرش به صورت لاشه ای در بین خانواده می ماند. اطرافیان کم کم از بودن در

کنارش وحشت می کنند و از او دور می شوند. دیگر نه گریه کننده ای را تسلی می دهد و نه صدا کننده ای را پاسخ می دهد. سپس او را به گورستان می برند و به خاک می سپارند و او را با عمل هایش تنها می گذارند و باز می گردند»<sup>(۱)</sup>.

از آداب حالت احتضار آن است که شخص را در آن حالت، رو به قبله بخوابانند؛ به گونه ای که کف پاهایش به سوی قبله باشد؛ روی او را سبک کنند؛ دکمه هایش را باز کنند؛ شهادتین و مسائل اعتقادی را در آن هنگام برایش بازگو کنند و ذکرها و دعاهایی را به او تلقین کنند و آداب دیگری که در کتاب های فقهی آمده است<sup>(۲)</sup>.

ص: ۲۷

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰: «اجتمعت علیهم سکره الموت و حسره الفوت...».

۲- به توضیح المسائل (احکام محتضر) مراجعه شود.

## ۶.۱. کفن و دفن مرده

مسلمانی که از دنیا می رود، باید با جنازه او محترمانه رفتار شود و آن را به خاک سپارند. از احکام شرعی پس از مرگ، آن است که مرده را غسل می دهند؛ در سه پارچه سفید کفن می کنند؛ بر او نماز میت می خوانند؛ بدن را تا گورستان تشییع می کنند و با آداب خاصی دفن می کنند. حضرت رضا می فرماید:

«از این جهت واجب است مرده را به خاک سپارند، تازشت شدن چهره و فاسد و متلاشی شدن بدن و بو گرفتن جسد بر دیگران آشکار نشود و مردم از بوی او یا آفات دیگر، آسیب نبینند و اذیت نشوند. از چشم دوستان و دشمنان پوشیده باشد، تا نه دشمنانش شماتت و بدگویی کنند، نه دوستانش اندوهگین شوند.»<sup>(۱)</sup>

کفن و دفن یک مسلمان از واجبات کفایی به شمار می رود. از این رو یاد گرفتن احکام

ص: ۲۸

---

۱- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۱۹.



آن نیز لازم است. بهتر است در دفن مرده، شتاب کنند و بی سبب به تأخیر نیندازند و پس از دفن، بر سر قبر او دعا و قرآن تلاوت کنند و برای شادی روحش احسان بدهند و کارهای نیک دیگر انجام دهند. مدفن اموات و گورستان‌ها، مایه عبرت است. سرانجام همه، آن جا خواهد بود. شعری که پروین اعتصامی برای سنگ قبر خویش سروده، چنین آغاز می‌شود:

این که خاک سیهش بالین است\*\*\* اختر چرخ ادب، پروین است

در اسلام بر تشییع جنازه مؤمن تأکید فراوان شده است و نوعی تکریم او شمرده می‌شود. به احترام مسلمانی که از دنیا می‌رود، مؤمنان پیکر او را همراهی و تشییع می‌کنند تا لحظه‌ای که به خاک سپرده می‌شود و تشییع کنندگان به خانه‌های خود بازمی‌گردند.

تشییع جنازه، هم برای فرد درگذشته سودمند است و از دعا و آمرزش خواهی تشییع کنندگان و نمازی که بر بدن او می‌خوانند بهره‌مند می‌شود، و هم برای تشییع کنندگان ثواب و آمرزش و رحمت الهی در پی دارد و مایه پند و عبرت است. خوب است که بستگان

متوفا، مرگ او را به دیگران اطلاع دهند تا در تشییع جنازه اش شرکت کنند و این آیین اسلامی، هرچه باشکوه تر برگزار شود که مایه تسلای بازماندگان است.

ادب تشییع جنازه آن است که انسان، با آرامش و وقار حرکت کند؛ ذکر بگوید؛ چهره غمگین داشته باشد؛ بیشتر اندیشه کند و کمتر حرف بزند و در مسیر تشییع نخندد. امام صادق فرمود: «وقتی در تشییع جنازه ای شرکت کردی، خیال کن این تویی که بر تابوت حمل می شوی، و گویا از خدایت خواسته ای که به دنیا باز گردی و خواسته ات پذیرفته شده است؛ پس به کار نیک پرداز و در اعمال بازنگری کن. (۱)

امیر مؤمنان در تشییع جنازه ای شرکت داشت. شنید که کسی می خندد؛ بر او اعتراض کرده، فرمود:

ص: ۳۰

«مردگانی که در گوری می آرامند و ما میراث خود و آنان می شویم، گویا ما پس از آنان جاودانه ایم! چرا هر مایه وعظ و پند را فراموش می کنیم؟! (۱)

چند باشی به این و آن نگران \*\*\* پند گیر از گذشتن دگران

واعظت، مرگ همنشینان بس \*\*\* اوستادت فراق اینان بس

داغ فرزند و هجر همسالان \*\*\* همه دیدی، نمی شوی نالان؟

### ۷.۱. شب اول قبر

پس از دفن میت در گور، بستگان و دوستان و آشنایان باز می گردند و او زیر انبوهی از خاک، همراه اعمالش تنها باقی می ماند. «شب اول قبر» شب تنهایی و وحشت، شب سؤال و جواب، شب دوری از بستگان، شب کوتاه شدن دست از دنیا و هرچه در آن است. پیامبر

ص: ۳۱

خدا فرمود:

«إِنَّ الْقَبْرَ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ...»؛<sup>(۱)</sup> (= قبر، نخستین منزلگاه آخرت است).

از مهم ترین مراحل مربوط به قبر، سؤالات شب اول است. امیرمؤمنان می فرماید: «وقتی تشییع کنندگان و مصیبت دیدگان بازگشتند، مرده را در قبر می نشانند و مورد سؤال قرار می دهند.»<sup>(۲)</sup> در تلقین میت نیز گفته می شود: «بدان که سؤال نکیر و منکر در قبر، حق است.» نکیر و منکر، نام دو فرشته ای است که در قبر حاضر می شوند و از مرده سؤال می کنند. سؤالات قبر درباره خدا و پیامبر و دین و قبله و ائمه و کتاب آسمانی و... است. امام سجاد می فرماید:

«تصور کن که شب اول قبر است و تو را در این خانه جدید، تنها گذاشته اند. دو فرشته نکیر

ص: ۳۲

---

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۳.

و منکر سراغت آمده اند تا از تو سؤال کنند. اولین چیزی که از تو می پرسند، پروردگاری است که او را می پرستیدی و از پیامبری که به سوی تو فرستاده شده و از دینی که به آن اعتقاد داشتی و از کتاب و قرآنی که آن را می خواندی و از امامی که ولایت او را داشتی. سپس از عمر تو می پرسند که در چه راهی صرف کردی و از مال و ثروتت که از کجا آوردی و کجا خرج کردی. پس به هوش باش و در خویش بنگر و پیش از امتحان و سؤال، پاسخی آماده کن»<sup>(۱)</sup>.

شبهه این حدیث از امام صادق نیز نقل شده است. در روایتی از آن حضرت آمده است که اگر میت در پاسخ نکیر و منکر گفت که پروردگار من «الله» و پیامبرم «محمد» و دینم «اسلام» است، قبر او تا جایی که چشمش می بیند، وسیع می شود و از طعام های بهشتی برای او می آورند و شادی و روح و ریحان بر او وارد می شود.

ص: ۳۳

در آن شب، کسی از پاسخ به این سؤالات سربلند بیرون می آید که در دنیا ایمان به آنها داشته باشد. کسی که در دنیا به خدا، دین، قرآن و ولایت کافر باشد و نتواند پاسخ دهد، قبرش پر از آتش خواهد شد.

در روایت دیگری، امام صادق می فرماید: «در قبر از میت درباره پنج چیز سؤال می کنند: از نمازش، زکاتش، حجش، روزه اش و از ولایت او نسبت به ما اهل بیت».(۱)

## ۸.۱. عذاب قبر

مرگ برای نیکان و صالحان، موهبت و هدیه ای است و قبر، سرآغاز ورود به رحمت بی انتهای الهی است. اما برای تبه کاران و اهل معصیت، سرآغاز گرفتاری و عذاب است. در روایات است که قبر، یا باغ و بوستانی از بوستان های بهشت است، یا حفره ای از حفره های

ص: ۳۴

---

۱- میزان الحکمه، حدیث ۱۶۲۶۵.

جهنم. امام صادق می فرماید: «روضه من ریاض الجنه، او حفرة من حفرة النار»<sup>(۱)</sup>.

اعمال انسان در دنیا، بر وضعیت قبر او مؤثر است. کارهای نیک بنده، در این مرحله تبدیل به همنشینان و ندیمانی خوش صحبت می شود و گناهان و ظلم هایش پیوسته مایه رنج و عذاب اوست. امیرالمؤمنین می فرماید:

«ای بندگان خدا! برای کسی که آمرزیده نشود، پس از مرگ بسیار سخت تر از خود مرگ است. پس بترسید از تنگی و فشار و ظلمت و غربت قبر. آن تنگنای حیات که خداوند دشمنان و غافلان را از آن برحذر داشته است، همان عذاب قبر است»<sup>(۲)</sup>.

در برخی روایات، «فشار قبر» را یکی از عذاب های قبر شمرده اند. بعضی از گناهان موجب فشار قبر می شود؛ از جمله بداخلاقی و بدرفتاری با خانواده. سعد بن معاذ، یکی از مسلمانان

ص: ۳۵

---

۱- همان، حدیث ۱۶۲۴۹.

۲- همان، حدیث ۱۶۲۷۰.

بلندمرتبه و باسابقه بود. چون درگذشت، بنا بر روایات، هفتاد هزار فرشته او را تشییع کردند. پیامبر خدا بالای قبر او ایستاد و دعا کرد. مادرش که حاضر بود، گفت: ای سعد! گوارایت باد این منزلت. پیامبر فرمود: چندان شادمان نشو؛ زیرا او در فشار قبر است. مادرش گفت: ای پیامبر! آیا برای کسی مثل سعد بن معاذ هم فشار قبر هست؟! فرمود: او در خانه با خانواده اش تندی و بدزبانی می کرد. (۱)

پیامبر اکرم فرمودند: روزی حضرت عیسی بر قبری گذر کرد که صاحب آن در حال عذاب شدن بود. سال بعد، باز هم از آن جا می گذشت، اما دید که عذاب نمی شود. علت را از خداوند پرسید. وحی آمد: ای روح الله! او فرزندی داشت که بزرگ شد و راهی را مرمت کرد و یتیمی را پناه داد. من هم به سبب کار نیک فرزندی، از او گذشتم و آمرزیدم. (۲)

ص: ۳۶

---

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۷ و ۲۲۰.

۲- همان، ص ۲۲۰.



عالم قبر، اگر برای مقربان و صالحان، عرصه ای دل گشاست، برای کافران و ظالمان، حفره ای پر از عذاب است. انسان های عارف که همیشه بین خوف و رجا به سر می برند، نگران مرگ و عوالم پس از مرگند. امام سجاد در دعای سحر و مناجات با پروردگار عرضه می دارد:

«پروردگارا! چه کسی بدتر از من است، اگر قبرم را آماده خواب راحت نساخته باشم و آن را با عمل صالح، مفروش نکرده باشم؟ چرا گریه نکنم، در حالی که نمی دانم سرانجام من چه خواهد شد؟ چرا نگریم؟ آیا برای خروج روح از بدنم بگریم؟ آیا برای ظلمت و تنگی قبر گریه کنم؟ آیا برای سؤال نکیر و منکر اشک بریزم؟ آیا برای بیرون آمدن عریان از قبر بگریم؟...» (۱)

اگر می خواهیم قبر برای ما بوستانی دل گشا و قصری آباد باشد، باید وسایل آن را در

ص: ۳۷

---

۱- . مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی: «... أبکی لضیق لحدی، أبکی لسؤال منکر و نکیر ایّای، أبکی لخروجی من قبری عریانا».

همین دنیا با ایمان و اعمال صالح و طاعت و عبادات فراهم کنیم. قبری که پر از آتش می شود، هیزم آن از گناهان و اعمال همین دنیا است. اگر هم بوستانی شادی بخش است، باز هم نتیجه اعمال دنیا است.

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

ص: ۳۸

فصل دوم: برزخ



«برزخ» به معنای فاصله میان دو چیز است. روح انسان، با مرگ از بدن خارج می شود و در قیامت دوباره به بدن بازمی گردد. در فاصله مرگ تا برپایی قیامت، روح به صورت مستقل وجود دارد. این مرحله را که بین دنیا و قیامت است، «عالم برزخ» گویند. در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است. (۱) مدت عالم برزخ معلوم نیست؛ چون هیچ کس جز خداوند نمی داند قیامت و رستاخیز چه زمانی برپا می شود. در برخی روایات، برزخ را همان «قبر» معرفی کرده اند؛ چون قبر، قرارگاه بدن انسان در فاصله دنیا تا آخرت است.

روح انسان در این مدت، به صورت مجرد و بدون آن که در پیکری وارد شود، به حیات خویش ادامه می دهد و در نوعی خوشی و لذت یا رنج و عذاب به سر می برد، بی آن که

ص: ۴۱

---

۱- «و من ورائهم برزخُ اِلٰی یومِ یبعثون» مؤمنون، آیه ۱۰۰.

این لذت یا رنج، جنبه مادی و حسی و بدنی داشته باشد. نظیر آنچه انسان در خواب می بیند؛ صحنه هایی دردناک و وهم انگیز، یا صحنه هایی زیبا و روح بخش، که روح انسان در آن عوالم سیر می کند؛ در حالی که بدن آرمیده است. این حالت روح را که در خواب پیدا می شود، یا رؤیاهای صادقی که انسان می بیند، علما و فلاسفه دلیلی بر استقلال و تجرد روح دانسته اند.

درک عالم برزخ برای ما که آن مرحله را ندیده ایم، مشکل یا محال است، ولی در روایات، نکته های مفیدی درباره آن آمده است. هم در خواب و هم در مرگ، روح از بدن فاصله می گیرد؛ اما در خواب، ارتباط روح با بدن کاملاً قطع نمی شود، ولی با مرگ، ارتباط روح با بدن کاملاً قطع می شود و در قالبی لطیف و سبک که از آن به «قالب مثالی» تعبیر می شود، قرار می گیرد و به تناسب ایمان و طاعت، یا کفر و معصیت، با انواع لذت ها یا انواع عذاب ها روبه رو می شود و نوع خاصی از زندگی را می گذرانند که به آن زندگی برزخی یا «حیات برزخی» گویند. یکی از دانشمندان دینی درباره زندگی برزخی چنین می نویسد:

«بدن برزخی و عذاب و نعمت های آن را می توان به گونه ای لذت یا نعمت های هنگام خواب تشبیه کرد. انسان در عالم رؤیا واقعاً کارهای شگفت انگیزی انجام می دهد؛ راه می رود، سخن می گوید، می اندیشد، و این کارها در ظرف رؤیا برای خود حقیقتی دارند. چه بسا حالات انسان در خواب، بر بدن عنصری نیز اثر می گذارد. حالا اگر چنین زندگی رؤیایی، واقعیت بیشتر و حقیقتی روشن تر بیابد، باید نام آن را «زندگی برزخی» نهاد. در آن جا ماده و عنصر، یا مولکول و اتم وجود ندارد؛ ولی صورت تمام موجودات جهان بی آن که ماده و وزنی در کار باشد، موجود است. از این رو دانشمندان می گویند: در جهان برزخ، آثار ماده مانند گرمی و سردی، شیرینی و تلخی، شادی و غم هست، هرچند خود ماده وجود ندارد. در آن جا خوردن و آشامیدن، سماع و استماع و رؤیت و دیدن وجود دارد؛ اگرچه از ماده ای که زندگی ما وابسته به آن است، خبری نیست. پیامبر گرامی در جنگ بدر دستور داد که کشته های قریش را در چاهی بریزند. سپس بر سر چاه ایستاد و به آنان خطاب کرد و

فرمود: آیا آنچه را خدای شما وعده کرد حقیقت داشت؟ مسلمانان گفتند: آنان مردگانند؛ چگونه با آنان سخن می‌گویید؟! پیامبر فرمود: شما از آنان شنواتر نیستید. آنان می‌شنوند، ولی اجازه سخن گفتن ندارند» (۱).

بنا بر وجود همین حیات برزخی، خداوند، شهدا را زنده معرفی می‌کند که نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و از آن چه خداوند به آنان عطا کرده، خوشحالند و به کسانی که هنوز به آنان ملحق نشده‌اند، بشارت می‌دهند (۲). خداوند می‌فرماید: به شهیدان، مرده‌نگوید؛ بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما درک نمی‌کنید.

## ۲.۲. سرنوشت ارواح

در ترسیم مفهوم «عالم برزخ» اشاره شد که روح انسان که مجرد است، در مرحله پس از

ص: ۴۴

---

۱- جعفر سبحانی، عقاید اسلامی، ص ۵۷۹ (به نقل از سیره ابن هشام، ج ۲).

۲- بقره: آیه ۱۵۴، آل عمران: آیه ۱۶۹ و ۱۷۰ «احیاء عند ربهم یرزقون».



مرگ، حیات ویژه ای دارد که به آن «حیات برزخی» گویند. ارواح، از آن جا که از زندان بدن آزادند، فعال ترند و محدودیت های این دنیا را ندارند. به این سو و آن سو می روند و از آن چه در دنیا و در میان خانواده و دوستانشان می گذرد، آگاهند. روح انسان های باایمان در آن دنیا با هم مأنوسند. کسی که تازه از دنیا می رود، ارواح گرد او جمع می شوند و از اوضاع و احوال بازماندگان در دنیا می پرسند. در روایات است که روح مؤمنان در یک وادی خاص به نام «وادی السلام» به سر می برند و روح کفار و بدکاران در «برّهوت». در برخی روایات آمده است که وادی السلام، منطقه ای در پشت نجف اشرف است. (۱)

ابراهیم بن اسحاق از امام صادق پرسید: ارواح مؤمنین کجایند؟ حضرت فرمودند: «ارواح مؤمنین در حجره های بهشتی اند؛ از غذای بهشتی می خورند؛ از شراب بهشتی می نوشند؛

ص: ۴۵

با یکدیگر در آن جا ملاقات می کنند و به دیدار هم می روند.» ابن اسحاق پرسید: روح کفار به کجا می رود؟ امام فرمودند: «در حجره های جهنمی است و از غذاهای جهنمی می خورند و می آشامند. مؤمنان آرزو می کنند کاش قیامت زودتر برپا شود تا وعده های خوب الهی را زودتر ببینند؛ اما کافران آرزو می کنند که قیامت بر پا نشود، تا آن عذاب های وعده داده شده را نبینند.» (۱)

### ۳.۲. بهره مندی در برزخ

گرچه با مرگ، رابطه انسان با دنیا قطع می شود و فرصت عمل از او گرفته می شود، ولی پیامد کارهای نیک و بد او در دنیا همراه اوست و نیکان از اعمال خوبشان بهره می برند و به گونه ای با دنیا در ارتباطند. رسول خدا فرمود: «سه چیز همراه مرده است: خانواده اش،

ص: ۴۶

مالش و عملش. تالب گور همه هستند، ولی دو تا از این ها برمی گردند؛ یعنی مال و فرزندانش، اما عملش همراه او باقی می ماند»<sup>(۱)</sup>.

کسانی که کار نیک و سنت شایسته ای برجا گذاشته اند، تا زمانی که دیگران از آثار کار نیکشان بهره مندند، پس از مرگش هم از ثواب آن بهره مند می شود. اما آنان که بدعت یا سنت غلطی را بنا نهاده اند، در گناه کسانی که به آن عمل می کنند شریکند و در برزخ عذاب می شوند. امام صادق می فرماید: «شش چیز است که پس از مرگ مؤمن هم به او ملحق می شود: فرزندی که در حق پدر استغفار کند؛ قرآنی که باقی می گذارد و آن را می خوانند؛ درختی که می کارد و آیندگان از ثمره آن برخوردار می شوند؛ صدقه جاریه ای که بر جای می گذارد؛ چاهی که حفر می کند؛ سنت نیکی که پایه گذاری می کند و پس از او به آن

ص: ۴۷

---

۱- . علاءالدین علی بن حسام(متقی هندی)، کنز العمال، حدیث ۴۲۷۶۱.

افزون بر این، اطاعت و بندگی و نماز و روزه شخص هم در عالم برزخ، همدم و مونس اویند و مایه آرامش و آسایش او می گردند. در روایت آمده است: «هرگاه بنده مؤمنی از دنیا می رود، شش تصویر زیبا و شمایل خوش منظر وارد قبر او می شوند که بسیار زیبا و خوش بویند و هرکدام یک طرفش می ایستد: یکی روبه رو، یکی پشت سر، یکی سمت راست، یکی سمت چپ، یکی بالای سر و یکی پایین پا. مؤمن می پرسد: شما کیستید؟ یکی از آنها می گوید: من نمازم؛ دیگری می گوید: من زکاتم؛ سومی می گوید: من روزه ام؛ چهارمی می گوید: من حج و عمره ام؛ دیگری می گوید: من آن نیکی هایی هستم که به دیگران کرده ای، و یکی هم که از همه زیباتر و خوش بوتر است، می گوید: من ولایت نسبت به آل محمد» (۲).

ص: ۴۸

---

۱- . شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۵.

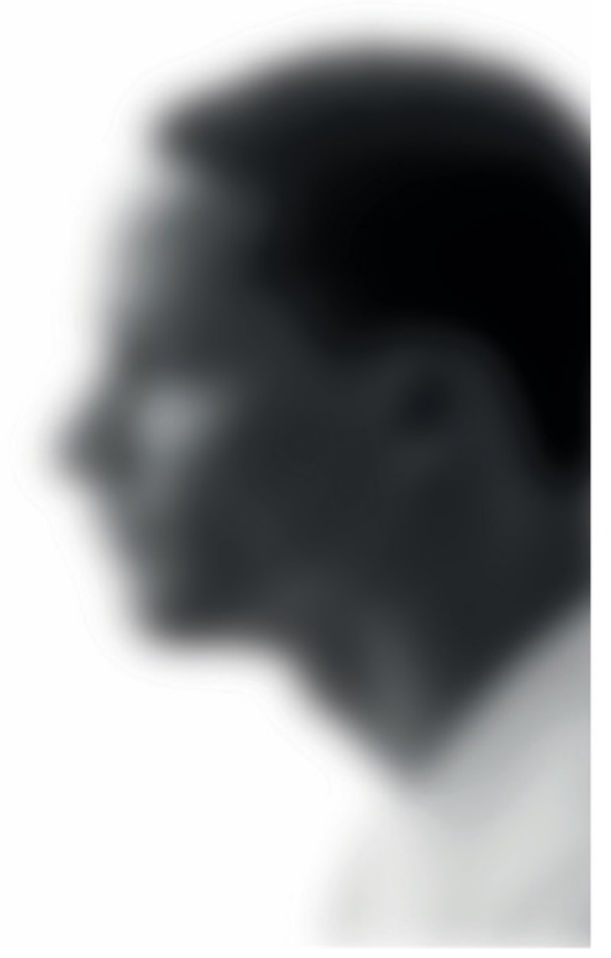
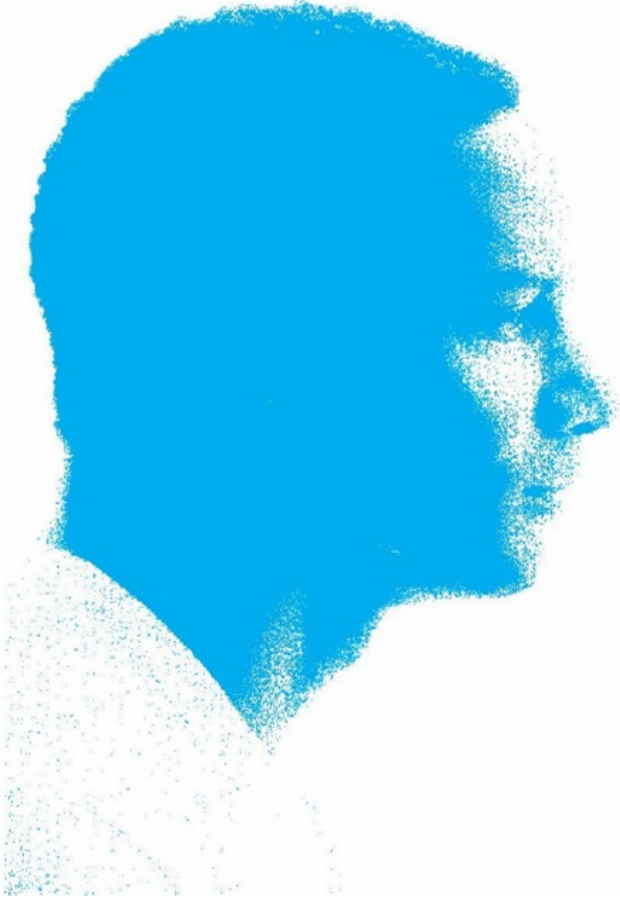
۲- . بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۳۴.

این روایت نشان می دهد که کارهای نیک انسان در دنیا، همدم او پس از مرگند و از او جدا نمی شوند و او را از خطرها و هراس های قبر و برزخ می رهانند و به نعمت های الهی در عالم برزخ و پس از آن در قیامت تبدیل می شوند. کسانی که بی نمازند و به واجبات دینی عمل نمی کنند، در برزخ از چنین همدم هایی محرومند. در سخنی از امیرمؤمنان آمده است:

«أَنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ، قَالَ النَّاسُ: مَا تَرَكَ؟ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ؟»؛ (۱) (=هرگاه کسی بمیرد، مردم می گویند، چه برجای گذاشته است؟ و فرشتگان می پرسند: چه پیش فرستاده است؟).

کسی که در دنیا برای آخرت و پس از مرگش ره توشه تقوا و عمل صالح بفرستد، رفاه و برخورداری خویش را برای پس از مرگ فراهم کرده است. پس رفاه و سعادت در برزخ، تنها در سایه تقوا و طاعت در دنیا به دست می آید.

ص: ۴۹



## ۴.۲. چند نکته درباره عالم برزخ

درباره عالم پس از مرگ، احادیث فراوانی وارد شده که مطالب ارزنده و تأثیرگذاری در آنهاست. چون بنای این نوشتار بر اختصار است، در پایان، چند نمونه از آنها را بیان می‌کنیم تا بهره‌ما از احادیث معصومین بیشتر شود:

۱.۴.۲. امیر مؤمنان فرمود: «در آخرین لحظات حیات مؤمن، ثروت و فرزندان و اعمال او جلوی چشمش پدیدار می‌شود. به ثروتش می‌گوید: به خدا قسم من بسیار حریص به مال بودم؛ اکنون می‌توانی برای من کاری کنی؟ می‌گوید: کفن خود را از من بردار. به فرزندانش رو کرده و می‌گوید: من بسیار شما را دوست داشتم؛ برای من چه می‌کنید؟ می‌گویند: تا لب گور همراهت هستیم و تو را به خاک می‌سپاریم. به اعمالش رو می‌کند و می‌گوید: من به شما بسیار بی‌رغبت بودم و شما بر من سنگین بودید؛ حال برای من چه می‌کنید؟ می‌گویند:

ص: ۵۱

ما در قبر و در روز قیامت، همراه تو هستیم تا تو را به محضر پروردگار ببریم...» (۱).

۲.۴.۲. امام صادق فرمود: «هرکس از مؤمنین که در فاصله ظهر پنج‌شنبه تا ظهر جمعه از دنیا برود، خداوند او را از فشار قبر مصون می‌دارد.» (۲).

۳.۴.۲. امام صادق فرمود: «وقتی کسی می‌میرد، خداوند فرشته‌ای را سراغ داغدارترین بازماندگانش می‌فرستد. آن فرشته دست بر دل آن شخص می‌کشد و شدت اندوه را از دلش می‌برد، و اگرچنین نبود، دنیا آباد نمی‌شد» (۳) (یعنی از الطاف خداوند به مردم این است که به تدریج، اندوه از دست دادن عزیزان از دلشان بیرون می‌رود؛ وگرنه همیشه ماتم زده و اندوهگین بودند و زندگی عادی افراد به هم می‌خورد).

ص: ۵۲

---

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۴.

۲- همان، ص ۲۴۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۰.



۴.۴.۲. امام باقر فرمود: «روزهای جمعه به زیارت قبور بروید. هر کدام از مردگان که در تنگنا و سختی باشد، خداوند در روزهای جمعه از طلوع فجر تا طلوع خورشید به آنان وسعت می دهد. آنان می فهمند که چه کسانی به زیارت قبرهایشان می آیند و خوشحال می شوند.» (۱)

۵.۴.۲. رسول خدا فرمود: «مردمی که تشییع جنازه می کنند، اگر جایگاه مردگان و حرف های آنان را می شنیدند، آنان را رها کرده، به حال خودشان می گریستند؛ چون روح از بالای جنازه فریاد می زند: ای خانواده و ای فرزندانم! دنیا با من بازی کرد، با شما بازی نکند! من اموالی را از حلال و حرام جمع کردم و برای شما گذاشتم؛ لذتش برای دیگران است و عذابش برای من. بترسید از آن چه بر سر من آمده است.» (۲)

۶.۴.۲. پیامبر خدا فرمود: «محبت من و اهل بیت من در هفت جای بسیار هولناک،

ص: ۵۳

---

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲- همان، ص ۱۶۱.

سودمند و کارساز است: هنگام مرگ، درون قبر، هنگام برپایی قیامت، هنگام گشوده شدن نامه اعمال، هنگام حساب، هنگام میزان و سنجش اعمال، و هنگام عبور از صراط».(۱)

۷.۴.۲. پیامبر اکرم فرمود: «میت در قبر، همچون غریق است که فریادرس می جوید و منتظر دعایی است که از سوی پدر، برادر، یا دوستش به او برسد. هرگاه دعای خیری از طرف اینان به او برسد، برایش محبوب تر از همه دنیا و هرچه در آن می باشد است. به یقین، هدیه زندگان برای مردگان، دعا و آمرزش خواهی است».(۲)

۸.۴.۲. رسول خدا فرمود: «از مردگان خود جز به نیکی یاد نکنید؛ چرا که اگر آنان اهل بهشت باشند، با بدگویی از آنان، گناه کرده اید و اگر اهل دوزخ باشند، همان عذابی که

ص: ۵۴

---

۱- همان، ص ۲۴۸.

۲- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۸، ص ۲۹۱.

دارند، برایشان بس است»<sup>(۱)</sup>.

۹.۴.۲. اسحاق بن عمار گوید از امام کاظم پرسیدم: آیا روح مرده، به دیدار خانواده اش می رود؟ فرمود: آری. عرض کردم: چند وقت یک بار؟ فرمود: «در روزهای جمعه، یا هر ماه یا هر سال، بستگی به منزلت و جایگاهش دارد.» پرسیدم: به چه شکلی نزد آنان می رود؟ فرمود: «به صورت پرنده ای سبکبال که بر دیوار خانه شان می نشیند و به آنان می نگرَد. اگر آنان را در حال خوشی دید، خشنود می شود و اگر آنان را در نیازمندی و سختی دید، غمگین می گردد»<sup>(۲)</sup>.

۱۰.۴.۲. کسی به امام صادق عرض کرد: برادرم در بغداد است؛ می ترسم آن جا از دنیا برود. حضرت فرمود: «غمگین مباش که کجا می میرد. هیچ مؤمنی در شرق یا غرب

ص: ۵۵

---

۱- . همان، ص ۲۹۳.

۲- . بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۷.

زمین از دنیا نمی رود، مگر آن که خداوند روح او را به وادی السلام می فرستد.» پرسیدم: وادی السلام کجاست؟ فرمود: «پشت کوفه. گویا ارواح مؤمنین را می بینم که حلقه حلقه دور هم نشسته اند و با هم سخن می گویند.»<sup>(۱)</sup>

مرحوم علامه مجلسی در جلد ششم «بحارالانوار»، پس از نقل احادیث مربوط به مرگ و قبر و برزخ، بحث های علمی و روایی سودمندی دارد که از گنجایش این جزوه بیرون است. خوب است که اهل تحقیق به آن مراجعه کنند.<sup>(۲)</sup>

ص: ۵۶

---

۱- همان، ص ۲۶۸.

۲- همان، از ص ۲۷۰ تا ص ۲۸۲.

عالم پس از مرگ، عالم شگفتی است؛ سرشار از عبرت و راز و پیچیدگی و سختی. رشته عمر ما روزی با تیغ مرگ بریده می شود؛ ولی دستاورد ما از فرصت عمر چیست؟ آیا برای روزی که با مرگ روبه رو می شویم و «سفر آخرت» آغاز می شود، برنامه ای داریم؟ آیا حیث نیست که زندگی به پایان برسد، بی آن که به «بلوغ انسانی» رسیده باشیم؟ اگر دنیا مزرعه آخرت است، آیا توانسته ایم در این مزرعه، بذر وجود خویش را شکوفا سازیم و به کمال برسیم؟

به یقین، با مرگ تمام نمی شویم؛ بلکه لباس عوض می کنیم و تغییر مکان می دهیم و وجود ما در شکل و وضعی دیگر ادامه می یابد و مراحل بعدی تحت تأثیر مرحله دنیوی وجود ماست. اگر مرگ، نابودی مطلق ما بود، این همه ترس نداشت. همه ترس ها و امیدها و نگرانی ها مربوط به «جهان پس از مرگ» و عالم رستاخیز است که ما نتایج اعمال دنیای خویش را به صورت بهشت یا جهنم خواهیم دید. اگر امروز روز عمل است نه حساب، فردا

روز حساب است نه عمل!

در پایان، شعر آموزنده ای از پروین اعتصامی که بیت اول آن را در میان بحث آوردیم و بنا بر وصیتش بر سنگ قبرش نوشته شده می آوریم: (۱)

این که خاک سیهش بالین است\*\*\* اختر چرخ ادب، پروین است

گرچه جز تلخی از ایام ندید\*\*\* هر چه خواهی، سخنش شیرین است

صاحب آن همه گفتار، امروز\*\*\* سائل فاتحه و یاسین است

دوستان به که زوی یاد کنند\*\*\* دل بی دوست، دل-ی غمگین است

خاک در دیده بسی جان فرساست\*\*\* سنگ بر سینه بسی سنگین است

ببند این بستر و عبرت گیرد\*\*\* هر که را چشم حقیقت بین است

ص: ۵۸

---

۱- قبر پروین اعتصامی در یکی از حجره های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه در قم است.

آدمی هر چه توانگر باشد \*\*\*چون بدین نقطه رسد، مسکین است

زادن و کشتن و پنهان کردن \*\*\* دهر را رسم و ره دیرین است

خرم آن کس که در این محنت گاه \*\*\* خاطری را سبب تسکین است

### برای مطالعه بیشتر

۱. منازل الآخره (سرنوشت انسان هنگام مرگ و بعد از آن)، حاج شیخ عباس قمی.

۲. معاد، محسن قرائتی، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.

۳. معاد، پرسش ها و پاسخ ها، دفتر دوازدهم، به کوشش محمدرضا کاشفی، قم: معارف.

۴. دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، قم: دارالحدیث.

۵. معاد، عبدالحسین دستغیب، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.





بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

